قاعده لاضرر، جلسه 1، 15/10/98

بسم الله الرحمن الرحیم

ادله قرآنی قاعده لاضرر

انشاء الله از امروز بحث در رابطه با قاعده لاضرر را به حول و قوه الهی آغاز خواهیم کرد.

در ابتدا عرض می شود که قاعده لاضرر قاعده فقهی است، مسئله اصولی نیست -مرحوم آقای بجنوردی کتابی دارد در قواعد فقهیه به نام القواعد الفقهیة و مرحوم آخوند عذر خواهی می کند و می گویند این بحث را شاگردان در خواست کرده اند که یک بحث مستقل در لاضرر داشته باشیم لذا من هم وارد این بحث شدم و طوری بحث را مطرح کردم که هم جنبه اصولی دارد هم جنبه فقهی و از نظر آیات و روایات این بحث را بررسی کردیم؛

اما آیاتی که می تواند دلالت بر قاعده لاضرر داشته باشد تقریبا سه آیه می باشد، اما آیات بیشتری هم می باشد که تلویحا این قاعده را می رساند گرچه مرحوم آخوند سه آیه را گلچین کرده است که نحوه دلالتی صریح دارد.

اول به آیات قرآنی می پردازیم،

از جمله آیاتی که لاضرر را می رساند، آیه233، سوره بقرة؛ است قوله تعالی: «لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوارِثِ مِثْلُ ذلِك‏»؛ مادری به فرزندش اذیت و ضرر وارد نکند.و هیچ پدری هم به فرزندش ضرر و اذیتی وارد نرساند بلکه وارثشان نیز همین گونه باشد؛ این آیه می رساند که ضرر نزد خدای متعال مبغوض می باشد البته این آیه شریفه در مورد رضاع وارد شده است، به بچه ضرر نرسانید به این بیان که باید به بچه 21 ماه شیر داده شود و سه ماه تاخیر هم اشکال ندارد، و اگر والدین می خواهند شیر کامل دهند حولین کاملین باشد. پس حداقل آن 21 ماه و حداکثر شیر دهی دوسال می باشد و بیشتر از این هم جایز نمی باشد.در وسائل الشیعه در جلد 10 باب 70، روایات در این مورد می باشد.

یکی از چیز هایی که خدا نهی کرده است، ضرر به بچه می باشد، گاهی ضرر به این است که از باب جهات اجتماعی افراد به بچه شیر نمی دهند؛ در حالی طبیعت اولیه زن حس مادری او می باشد، حال، ضرر زدن از باب منع از شیر باشد یا طلاق داده شود یا طوری عصبانی شود که شیرش منع شود. هر نوع حرکتی که باعث صدمه به مادر و فرزند شود منع شده است، حتی اضرار به بچه از باب منع مجامعت برای جلو گیری از بچه دار شدن، در روایات منع شده است «لاتقتلن اولادهن» از معاهداتی است که پیامبر با اعراب آن زمان بسته بودند، از تفسیر ذیل آیه استفاده می شود که هر کاری که منجر به ضرر به فرزند باشد منع شده است؛ اما نفی ضرر و اضرار مطلقا حرام می باشد چه ضرر به مکلفین، چه به غیر مکلفین باشد، چه ضرر ابتدائی باشد چه مستلزم ضرر باشد، همه منع شده است.

برخی گمان می کنند که مراد از آیه شریفه در نهی از ضرر، اختصاص به زوجین دارد؛ در حالی که در ادامه اش می گوید «و علی الوارث مثل ذلک»؛ حتی وارثش هم اینگونه است، روایت ذیل آن می فرماید حتی علی الوارث را بر امّ ولد تعمیم می دهند، حتی وارث ملک یمین را داخل می کنند.

توسعه در آیه شریفه براساس توسعه معصوم می باشد و اشکالی ندارد. اما روایت[[1]](#footnote-1) ابو بصیر، «[[2]](#footnote-2)وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ‏ الْمُطَلَّقَةُ الْحُبْلَى‏ يُنْفَقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا»، زن بارداری که طلاق داده شده باید خرجی این زن را مرد بدهد تا بچه اش بدنیا بیاید «وَ هِيَ أَحَقُّ بِوَلَدِهَا أَنْ تُرْضِعَهُ»، و او به بچه خود در شیردادن سزاورتر است. «بِمَا تَقْبَلُهُ امْرَأَةٌ أُخْرَى يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ‏ لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوارِثِ مِثْلُ ذلِكَ‏[[3]](#footnote-3) لَا يُضَارَّ بِالصَّبِيِّ وَ لَا يُضَارَّ بِأُمِّهِ فِي رَضَاعِهِ وَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَأْخُذَ فِي رَضَاعِهِ فَوْقَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ فَإِذَا أَرَادَا الْفِصَالَ عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا كَانَ حَسَناً وَ الْفِصَالُ هُوَ الْفِطَامُ‏»[[4]](#footnote-4)

(شیخ فضل الله نوری بچه شیرخوار داشت و شیر همسرش خشک شده بود و او دایه ای گرفت برای شیردادن بچه بعد فهمید که دایه اش یهودی بوده، لذا او گفت من از این بچه می ترسم چرا که یهودیه او را شیر داده و اثرگذار است در وجود انسان. در هنگام به دار آویخته شدنش این بچه کف می زد و در آخر از کمونیست ها شد.)

امام علیه السلام به آیه شریفه استشهاد کرد، سپس نتیجه گیری می کنند که نباید به بچه ضرری برسد و همچنین نباید به مادرش ضرری برسد زن هم بداند تا دو سال باید شیر به فرزندش بدهد و اگر می خواهد بچه را از شیر بگیرد با شوهرش مشاوره کند و با رضایت دو طرف بچه را از شیر بگیرد؛ از این فهمیده می شود که زوج و زوجه و وارث همه داخل حکم لاضرر می باشند.

الحمدلله رب العالمین

1. . حدیث 7 باب 70 جلد 15 وسائل الشیعه [↑](#footnote-ref-1)
2. . وسائل الشيعة ؛ ج‏21 ؛ ص 455 [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 8)- البقرة 2- 233. [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 9)- و تقدم ما يدلّ على ذلك في الحديثين 9 و 14 من الباب 17 من هذه الأبواب. [↑](#footnote-ref-4)